



امتحانات متمرکز عمومی نیمسال دوم ۱۴۰۰-۱۳۹۹

ساعت برگزاری: ۹:۳۰ صبح | نمره: ۱۵ | مدت پانگونی: ۷۰ دقیقه

شماره یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

مهر مدرسه

کد امتحان:	۲۴۰۰۲/۰۹-۲
تاریخ آزمون:	۱۴۰۰/۰۴/۰۸
عنوان:	اصول فقه ۴
کتاب:	دروس فی علم الاصول (حلقه ثانیه)
محدوده:	از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۲۸۸-۲۲۱)
حذفیات:	ندارد

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد طلکبی: مدرسہ علمیہ: شهرستان: استان:

۰/۵

۱- با توجه به مسلک حق الطاعة شهید صدر^(۵) قاعده اولیه هنگام شک در تکلیف شرعی، کدام است؟ ص ۲۲۳

- الف. اشتغال شرعی
- ب. برائت شرعی
- ج. اشتغال عقلی
- د. برائت عقلی

۰/۵

۲- شک در «وجوب غسل» به دلیل «شک در حدث»، شک در تکلیف است یا مکلف به؟ مجرای چه اصلی است؟ ص ۲۳۸

- الف. مکلف به - برائت
- ب. مکلف به - اشتغال
- ج. تکلیف - اشتغال
- د. تکلیف - برائت

۰/۵

۳- اگر مکلف قبل از علم اجمالی به «یک طرف از علم اجمالی» مضطر شود، کدام یک از ارکان علم اجمالی مختل است؟ ص ۲۴۵

- الف. رکن چهارم
- ب. رکن اول
- ج. رکن دوم
- د. رکن سوم

۰/۵

۴- مراد از اثبات در «اصل مثبت» چیست؟ ص ۲۶۵

- الف. اثبات لوازم غیر شرعی
- ب. اثبات حکم عقلی
- ج. اثبات لوازم شرعی
- د. اثبات حکم شرعی

۰/۵

۵- چرا شهید صدر^(۵) ظهور دلیل استصحاب را از دلیل برائت در هنگام تعارض اقوی می‌داند؟ ص ۲۸۷

- الف. تأیید دلیل استصحاب توسط عقلاء
- ب. تأیید دلیل استصحاب توسط عقل
- ج. کلمه «بدا» در دلیل استصحاب
- د. تواتر دلیل استصحاب

۰/۵

۶- دلیل تقدیم دلیل عقلی قطعی بر اماره شرعی چیست؟ ص ۲۷۸

- الف. تخصیص
- ب. حکومت
- ج. تخصّص
- د. ورود

۷- کیفیت استدلال به آیه شریفه: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا» (الطلاق: ۷) بر برائت را نوشته و اشکال شیخ اعظم^(۵) به آن را تبیین نماید. ص ۲۲۴

۲

جواب: «ها» می موصول اطلاق دارد، لذا مراد از آن معنایی جامع بین مال، فعل و تکلیف است. به این معنا که انسان در مقابل مال فقط به اندازه‌ای که به او روزی داده می‌شود و در فعل به اندازه توان جسمی و در تکلیف به اندازه‌ای که به او می‌رسد مکلف است. پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مسؤول است. اعتراض

شیخ (ه): اراده جامع از «ما» ممکن نیست. زیرا اگر معنای تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به. نسبت بین فعل و مفعول به با نسبت بین فعل و مفعول مطلق مغایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، با توجه به سیاق آیه قبل، «ما» متعین در معنای مال است.

۸- تقریب استدلال به حدیث: «الوقوف عند الشبهة خیر من الاقتحام فی الهلکة...» برای وجوب احتیاط در شبهات بدویه و اشکال آن را بنویسید. ص ۲۳۴

جواب: تقریب: روایت دلالت می کند که با ارتکاب شبهه، در هلاکت واقع می شوی، معنای این کلام این است که تکالیف مشکوکه منجز هستند و برای ارتکاب آنها مؤمنی نداریم. لذا احتیاط واجب است. (۱ نمره)
رد: این تقریب متوقف بر این است که شبهه به معنای شک باشد در حالی که در لغت به معنای مشابه و شبیه است، اگر به شک شبهه گفته می شود به جهت این است که مشابهت منجر به شک می شود. (۱ نمره)

۹- با توجه به عبارت: «ان الترخیص فی جميع الاطراف ینافی الوجوب الواقعی المعلوم بالاجمال، لما تقدّم من تضاد الاحکام التکلیفیة» چرا مشهور قائل به استحاله جریان برائت در همه اطراف علم اجمالی شده اند؟ نظر شهید صدر (ه) چیست؟ ص ۲۴۳

جواب: دلیل مشهور بر استحاله: ترخیص در تمام اطراف معنایش این است که مثلاً مولى چیزی را واجب کند و در همان وقت ترک آن را اجازه دهد یعنی دو حکم الزام و ترخیص در یک واقعه جمع شوند که با توجه به تضاد احکام تکلیفیه استحاله دارد، نظر شهید صدر (ه): این سخن در صورتی وجیه است که ترخیص واقعی باشد [یعنی در موضوع شک اخذ نشود] ولی به دلیل این که ترخیص در هر طرف علم اجمالی، حکم ظاهری است منافاتی با جمع شدن با حکم واقعی دیگر ندارد.

۱۰- با توجه به عبارت «انه فی الشبهة الحکمیه اذا کان الموضوع باقیاً بکامل قیوده فلا یمکن طرو الشک فی البقاء فلا بد من زوال بعضها و معه تختل الوحده» اشکال به «رکن ثالث استصحاب در شبهه حکمیه» را تبیین کرده، پاسخ تفصیلی ارائه دهید. ص ۲۶۲

جواب: اشکال: در شبهات حکمیه اگر موضوع کاملاً باقی باشد پس شک در بقاء نیست (مگر به نحو نسخ) و اگر موضوع تغییر کرده است دیگر قضیه متیقنه با قضیه مشکوکه وحدت ندارد. جواب: وحدت معتبر در استصحاب وحدت عرفی است نه وحدت دقی به عبارت دیگر قیود عرفی دو قسم هستند: قیودی که مقوم موضوع هستند [حیثیه تقییدیه] و قیودی که مقوم موضوع نیستند [حیثیت تعلیلیه] در اختلال به قیود اول استصحاب جاری نمی شود و در دومی جاری می شود.

۱۱- در ضمن مثال استصحاب سببی و مسببی را تعریف نمایید. ص ۲۷۴ و ۲۷۳

جواب: هنگام شک در طهارت آب، از آن جهت که طهارت آب موضوع جواز شرب است، هنگام شک در جواز شرب آب، استصحاب طهارت آب جاری می شود و جواز شرب که اثر آن است را ثابت می کند. به استصحاب جاری در طهارت آب، استصحاب سببی گفته می شود. زیرا مانند سببی است برای حکم شرعی جواز شرب. حال اگر به خود حکم جواز شرب توجه کنیم، قبلاً متیقن الحدوث بوده و الان مشکوک البقا است، لذا حالت سابقه آن یعنی جواز شرب را استصحاب می کنیم. به استصحاب جاری در جواز شرب اصل مسببی گفته می شود، زیرا جواز شرب مانند مسبب است برای طهارت آب.

۱۲- «تعارض» اصطلاحی را تعریف کرده، چه تفاوتی با «تزامم» و «ورود» دارد؟ ص ۲۷۹ و ۲۷۸

جواب: تعارض عبارت است از تنافی دو دلیل از حیث مدلولهایشان به این نحو که ثبوت هر دو دلیل با هم در واقع امکان ندارد. (۱ نمره) با توجه به تعریف تعارض، تنافی بین دو جعل است ولی التزام تنافی بین دو امثال است که ربطی بین دو مدلول ندارد. (۵/۰ نمره) تعارض بین دو مجعول (فعلیت دو حکم) که فعلیت یکی، موضوع فعلیت دیگری را نفی (یا محقق) می کند، و تعارضی بین دو جعل نیست. (۵/۰ نمره)

«سامانه پیام کوتاه ۰۵۰۰۱۷۱۷۱۴۴۳ معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می باشد.»

«در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می باشد.»